

### احوالپرسی

### ثریا قاسمی

پرویز براتی

یک تصادف ساده از همان نوع تصادف‌هایی که این روزها زیاد در کوچه و خیابان‌های تهران دیده می‌شود. ثریا قاسمی روزانه بیمارستان کرده است. این بازیگر پیشکسوت که روز ۲۳ اسفندماه همراه مادر خود حیدره خیرآبادی در حال گذر از عرض خیابان بود، با یک اتومبیل تصادف کرد و مصدوم شد. به دنبال آن او را در بیمارستانی در حوالی شمال شهر منتقل کردند. خوشبختانه روز گذشته در تماس با این بازیگر پر بدیم که حالش خوب است، هر چند تا سه چهار ماه آینده بستری خواهد بود و از این روزها به بازی در هیچ سریال یا فیلمی نیست. تلفن همراه قاسمی را



که گرفتیم آن سوی خط پسرش جواب تلفن را داد و گفت: «خوشبختانه حال مادر بهتر شده، البته پایش شکسته و نمی‌تواند تکان بخورد. دکتر هم اکنون مشغول معاینه ایشان است.» معمولاً زمانی که بازیگران و هنرمندان مطرح و پیشکسوت به دلیل روانه بیمارستان می‌شوند، خیلی عظیم مشتاقان برای دیدار و ملاقات زنده آنها می‌روند که بعضاً از حامی به با می‌رود. در چند روزی قاسمی از لطف و بزرگواری مردم قدر دان است.



امدی طی روزهای گذشته در گفت و گو با برخی خبرگاران در خواست کرده که مردم پیام یا به زحمت نینفند، خصوصاً در روزهای پایانی سال که گرفتاری‌های مردم بیشتر و بیشتر می‌شود.

به هر حال تا این جای کار، همین تصادف ساده موجب شده این بازیگر پیشکسوت از بازی در سریال «جاده در دست تعمیر» به کارگردانی حسین تیرتی بازماند. جایی که گفته می‌شود او عامل سوانح در این سریال با یک سکانس‌های بی‌نهایت آبدون خسرو و با به پارسانند.

به گفته قاسمی، او قرار بوده فردین سال ۸۷ در یک سریال بازی کند که این تصادف ناخوشانه، بازی در آن سریال را لغو کرده است. به هر حال امیدواریم بازیگر محبوب مان هر چه زود برنامه‌های خود را با بازیهای طغی بازی در فیلم‌ها و سریال‌های چون «خانه ابری»، «خوستانگاری»، «مارال»، «شام آخر» و «تو دختر شیرینی فروش» «گرگ ها»، «دره توه»، «پس از باران» و «روشن تر از خاموشی» از ذهن‌ها پاک نخواهد شد.

### بسته پیشنهادی

**اعتقاد ملی - گیسو نفغوری:** نمی‌دانم وقتی ۱۳ تاشریه ادبی - هنری یکجا تعظیم می‌شود، چه بگویم، آن هم در آستانه نوروز، نمی‌دانم این عیدی یا به اهالی هنر و فرهنگ است یا... می‌دانم که تعداد نشریه‌ها امروز زیاد است اما هر کدام از این نشریه‌ها حداقل چندین سال دام داشتند و خوشان را ثابت کردند. چه چیزی می‌تواند جای تحسین ۱۶ ساله دیباچه تحسیر، ۶ سال تجربه متفاوت بودن هفت و حضور این چندساله شوکاران بگیرد. این تصویر که هفت در دو شماره نوروزی داشتند تعداد زیادی مطالب خواندنی سیمانی و هنری خوبی‌اش است که هنوز در پیشخوان روزنامه فروشی‌ها پیدا می‌شوند. کمال قلی‌اش از تعظیم کرد و با دادن تذکری آنان را از تخلفات، به هم نگاه نظر است - آگاه می‌گردند.

### حنا مخملباف در «۴۰ چراغ»

هفته نامه «۴۰ چراغ» ویژه‌نامه منتهی برای نوروز تهیه کرده است. در آن مجموعه‌ای از مطالب جالب پیدا می‌شود، هم گفت و گوهای خواندنی با حنا مخملباف و محمدرضا خاتمی و هم سرش فاطمه اشراقی و هم نخل و تعریف دوباره اتفاقات سال گذشته با مکتب. در آن می‌توانید هم مکتب با حنا مشاوران استون، را با «بهمن قبادی» دوباره ببینید هم درباره فرزند تعدادی از هنرمندان معروف بدانید. مجموعه عکسی از دو عزیز از دست‌رفته قیصر امین پور و «احمد بورقانی» نیز در آن یافت می‌شود. عکس روی جلد آن «حنا مخملباف» است که گفت و گوئی با او هم در «۴۰ چراغ» نوروزی پیدا می‌شود. گزارش هیات داوران «۴۰ چراغ» هم ۱۲۰ برنده مسابقه داستان نویسی آن را معرفی کرده است.



### تازه

یکی دیگر از شماره‌های «تازه» به سردبیری «پرویز افخمی» هم منتشر شد. شاید خیلی‌ها بداند این شماره در اردیبهشت ماه گذشته در دسترس بود و از آنجا که به یازدهم آورده شده است. ۳۳ صفحه سیمانی پس از انقلاب ایران پرداخته شده است. گفت و گو با ایرج درباره فردین و «گفت و گو با مهدی باقری» هم مناسبت سال‌های قلم و خط و مطالب خواندنی آن است. یکی به بهترین شرح‌های این شماره هم آورده ایرانی‌های اسکاری است. شاید خیلی‌ها فکر می‌کردند تنها اسکاری ایران شهره آغداشلو باشد اما در این نشریه می‌تواند با جمع زیادی از ایرانی‌ها که در بخش‌های فنی فیلم‌ها فعالیت می‌کنند، آشنا شوند. گفت و گو‌هایی با احرام مدرک، کیت وینسلت و لیلی افشار نیز در این دومین شماره «تازه» خوانده می‌شود.



### آیین

ماهانماه فرهنگی آیین ویژه نوروز نیز با مجموعه‌ای از مطالب و مصاحبات هنری منتشر شده است. عزیز یادداشت‌های سیدمحمد خاتمی درباره آیت‌الله توسلی و مصطفی معین درباره سیدجعفر شهیدی نوشته فاطمه راغی درباره قیصر امین پور نیز جزو مطالب خواندنی و در ضمن ادب‌واری این شماره است. گفت و گوهای اختصاصی با «ایران تری» جامعه شناس انگلیسی و مطلب محمدرضا تاجیک درباره «آیا انقلاب با رهبران خود را می‌خورند» نیز جزو مطالب خواندنی است. گفت و گو با «محمدعلی نجفی»، «هنرزه حکمت» و همچنین یادداشتی بر کتاب هزار و یک شب نیز در این نشریه به چشم می‌خورد.



### سینما و ادبیات

فصلنامه سینما و ادبیات این بار ویژه یوید یوید لیچ منتشر شده است و تاریخچه سینمای مستقل را نیز بررسی و تهیه کرده است. شازده شمشیر شماره این نشریه همراه با مطالی احمد طالبی نژاد، بهاء الدین خوشمخای، حافظ موسوی و احمد میراحسان است. یکی از مطالب خواندنی این نشریه یادداشت «سیمین بهبانی» درباره هبیب بیضایی است.



### از روزنامه‌های جهان

**گاردین:** «فوزور و تعصب» تیر انتخابی گاردین برای گفت و گوئی است که با و. س. نیلین یونستند نام‌آشنا تیرتیبایی و برنده نوبل ۲۰۰۱ انجام داده است. نیلین در گفت و گو به رابرت مکت گروم می‌گوید که چرا او بعد از ۱۰ سال فعالیت و قلم‌نویسی، این سریال را به سراغ‌شان نشین شده است. **پینتشت:** این روزنامه انگلیسی در مطالب هنری خود از تصمیم تازه یوید کاترین گ کارگردان فیلم قبلی چون «قول‌های شرقی» برای نگارش اولین نمایش خبر داده است. طاهر اکبری گ کارگردان ۱۰ صفحه‌خوان زمان راه به پایان برده است. او را عماد آتاز و وحشت می‌دانند.



**چاینا دیلی:** این روزنامه چینی منتشر کرده درباره نمایش شاهکارهای قرن نوزدهم اروپا در موزه هنر پکن. همچنین به دنبال معنی نامایش فیلم «عماد» آخرین ساخته انگلی در چین، این روزنامه در قالب گزارشی این سوال مطرح کرده که آیا غربی‌ها خودشان در این احتیاط می‌کنند؟! **مسکو تایمز:** این روزنامه روسی هم مطلب نخست بخش هنری خود را به بررسی ویلاک های انگلیسی زبان روسیه اختصاص داده و نتیجه گرفته که تنها نمایش اثری از آنها ویلاک‌های خوبی هستند و مابقی چنگی به دل نمی‌زنند. جرای یکی از ایراهای معروف رچارد و آنگر در مسکو برای اولین بار از دیگر مطالب این روزنامه است.

### اعتقاد ملی:

ماهانماه فرهنگی هنری «هفت» به مدیریت مسوولی احمد طالبی نژاد یکی از نشریه‌ای بود که روز گذشته از سوی اداره کل نظارت بر مطبوعات لغو امتیاز شد. ماهنامه‌ای با شش ساله سابقه که طی روزهای گذشته چهل و هجدهمین شماره منتشر شده بود. این ماهنامه و سایر نشریات بنا به ماده ۹ قانون مطبوعات لغو امتیاز شده‌اند. ماده‌ای که بر اساس آن در صورت احراز عدم صلاحیت مدیرمسوول برای انتشار مجله، امتیاز آن لغو می‌شود. به بهانه لغو امتیاز «هفت» گفت و گوئی کوتاهی با طالبی نژاد ترتیب داده ایم که می‌خوانید.

**آقای طالبی نژاد، آیا دلیل لغو امتیاز «هفت» گفته شده و احیانا ابلاغیه‌ای به شما داده شده است؟**

روز گذشته اداره کل مطبوعات ابلاغیه‌ای به ریسه ما داد. به موجب این ابلاغیه، به استناد تبصره هفت ۱۱ قانون مطبوعات مصوب ۶۳/۱۷/۲۲ مجله «هفت» لغو امتیاز شده است. طبق این تبصره، چنانچه تشخیص داده شود مدیرمسوول نشریه‌ای صلاحیت اش را از نظر اعتبار، انزاد، امتیاز او را لغو می‌کنند. از جمله مواردی که طبق این تبصره می‌توان حکم به لغو امتیاز نشریه‌ای را داد، عدم پایبندی و التزام به قانون اساسی است. ظاهراً به تشخیص کارکنان سازمان اداره کل مطبوعات این بند را مبنا قرار داده برای لغو چند نشریه و از جمله «هفت» اقدام کرده است. در این حالی است که یک پسر گفت و گو با من بگوید معیار داشتن یا نداشتن چیست؟ مهم این است که با ۲۵ ساله مورد نظر نشریه‌ای را منتشر کرده ایم که به حال-یک می‌شود تذکره کنونی با ابلاغیه گرفته است. ظاهراً همیشه مطلوب بودیم. حتی



پارسال من را به سفری دعوت کردند و گفتند که شما نشریه‌ای فرهنگی منتشر می‌کنید. حال نمی‌دانم چرا تاکنون این اتفاق افتاده و شاهد لغو امتیاز نشریه‌ام شده‌ام!

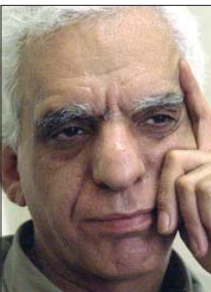
**نشریه «هفت» رویکرد هنری خاصی داشته**

## گفت‌وگو با احمد طالبی نژاد، مدیرمسوول ماهنامه «هفت» شوک بزرگ به نشریه هفت

اسم؟ چه تمایز این نشریه‌ها از نشریات مشابه چیست؟ بیندیشید، رویکرد هنری‌ها از همان شماره اول را می‌خواستند بود؛ ضمن اینکه قبل از انتشار، آن برنامه و استراتژی مشخص داشتیم. هدفمان انتشار نشریه‌ای بود که هفت هنر زنده و موجود در ایران و جهان را در حد بضاعت پوشش دهد، رویکرد این نشریه با رویکرد بسیاری از نشریات فرهنگی و هنری فرق دارد. ما رویکرد بسیار از این تفاوت در چه فاکتورهایی تعریف شده بود؟

نشریه «هفت» به لحاظ گرافیک، نشریه‌ای زنده بود. باید بپذیریم که روزگار ما روزگار گرافیک، تصویر و نشانه است. ما نوشتیم ارتباط خوبی با نسل جوان در تمام زمینه‌ها برقرار کنیم. به نوعی اعتماد مقابل و فکر رسیدیم که امیدوارکننده بود. همیشه پیش‌خدمت می‌کردیم که روزگاری اتفاقی که در روز برای نشریه افتادیم آمد، چه جوابی به خوانندگان بدهیم؟ تردیدهای احتمالی ما در قریب هفت ماهه با بدعوت‌ها و تماس‌هایی که از سوی مخاطبانمان در شهرهای مختلف به عمل می‌آمد، هم برطرف می‌شد. به هر حال از طریق گفت و گو، نمایش نشریه نوشتیم با نسل جدید که از دست قضاصل نسلی ترقی می‌است، ارتباط برقرار کنیم. به هر حال در این لحظه نمی‌توانم این است که این همه با همی که گرفتاری‌ها داشته‌اند، نشریه‌ای از وضعیت شده و ما باید سال جدید را با ناامیدی شروع کنیم؟ ما التزام عملی داریم یا نه؟ فقط این را می‌گویم که در زندگی ما زلزله آمد. قبل از اعلام این خبر، داشتیم دفتر را جمع و جور می‌کردیم. کارگر گرفته بودیم و داشتیم همه چیز را مرتب می‌کردیم. این قدر امیدوار بودیم که مقابل قبلی‌ای نگرفتیم. بعد از عید راه آماده کرده بودیم. یک زلزله هفت ریشتری آمد و همه چیز را ویران کرد. این ویرانی نه فقط برای من که برای فرهنگ است. کورناست. اما مگر چند نشریه داریم که دورتر از غوغای کار فرهنگی نیستند؟ به هر حال با شکایاتی تنظیم کرده‌ام. فکر می‌کنم با توجه به فرا رسیدن نوروز، همه چیز به بعد از تعطیلات عید موزول کند. حالا که گفت و گو با شما بزرگ هستم و منتظریم ببینیم کسی به داد ما می‌رسد یا نه...

کنیم، سرمننده مخاطبان هستیم. درباره ایراد واره به نشریه «هفت» (عدم التزام و پایبندی به قانون اساسی) که به تعطیلی آن انجامیده چه نظری دارید؟ باید بگویم که ما خیلی محتاط بودیم. همیشه متهم به محافظه کاری می‌شویم. در نامه‌هایی که به دفتر نشریه می‌رسید مخاطبان را ما می‌خواستند که محافظه کار نباشیم. این اتفاق به شکلی ناگهانی رخ داد و متأسفانه کسی هم پاسخگو نیست. ما آمادگی این مساله را نداشتیم، چون کوچک‌ترین احتیاط قبلی‌ای نگرفتیم. بعد از حد بدها تسوالی که دارم این است که که تا نفر جواب بدهد. جرم ما این ماده قانونی که تفسیر برادر است، جرم ما چیست؟ ما التزام عملی داریم یا نه؟



ممکن است به شاید به جهت هنری، سیمانی و دیدگاه‌ها این نشریه خط مشی مشترکی نداشته باشیم. بنابراین راجع به سرمننده کلای صحبت می‌کنم؛ نباید این اتفاق می‌افتاد.

## به بهانه تعطیلی سه نشریه به دنبال تصویر و شوکا این وضعیت ماندگار نیست

### کیومرث پوراحمد

ملکیت خبرنگاران و ملکیت ماست و ما هستیم و خواهیم ماند. همه این پشت میزبندی‌ها و تصمیم‌های عجولانه تمام می‌شود، اما موقعیت اهل قلم و اندیشه همیشه می‌ماند. کسی در دنیای امروز نمی‌تواند جلوی کرد و نادر متوقف کند. برای آنکه هر دو با هم در یک نشریه، مملکت من، مملکت احمد طالبی نژاد، مملکت علی معلم، مملکت هفت، مملکت دنیای تصویر، مملکت شوکا، مملکت فیلسازان، مملکت نویسنده‌گان،

در طول تاریخ و در تمام دنیا هم این وضعیت به گونه‌های مختلف بوده که از بین رفته است. در اینجا هم این وضعیت از بین می‌رود و همه این مخالفتان با آزادی فکر و بیان از بین خواهند رفت. متأسفانه از اینکه این گونه ابراز وجود می‌کنند. باید آنان که مخالفند بدانند این مملکت، مملکت من، مملکت احمد طالبی نژاد، مملکت علی معلم، مملکت هفت، مملکت دنیای تصویر، مملکت شوکا، مملکت فیلسازان، مملکت نویسنده‌گان،

همان قدر که زنده‌ای شدن یعقوب یادعی برای اندیشیدن، فکر کردن و نوشتن تکران کننده است. تعظیمی مملات هفت، دنیای تصویر و شوکا هم آثار آن است. این نوع حرکت‌ها، از قدرت از طرف کسانی است که با آدم‌های اهل فکر و قلم و کسانی که سرشان به هنر می‌ارزد، همخاسته هستند. با این کار می‌خواهند بگویند که ما هستیم و هر لحظه آماده کنیم، جلوی فکر کردن و نوشتن را می‌گیریم. اما این وضعیت اصلاً ماندگار نیست.

## لغو امتیاز یعنی اعدام

### چشمید ارجمند

کاش مسوولان من رنظ با این قضیه درباره این اتفاق توضیحاتی را ابراز کنند که چرا چنین مجازاتی را برای این نشریات در نظر گرفته‌اند. باید نسبت به این قضیه آگاه شویم که چه چیزی است و آنان را به این واکنش وا داشته است؟ آیا واقعا هیچ راه دیگری برای این قضیه که شدیدترین مجازات است، وجود نداشته است؟ لغو امتیاز برای مجله حکم اعدام را دارد. حکم اعدام برای همه مجله‌ها صادر و اجراء شده است. تا ۵۰۰۰ خانواده از قتل هر یک از این مجلات امرار معاش می‌کرده‌اند. آیا در این شرایط ضربه زدن به وسیله اهرام عراش چندین نفر سرنوشته خوبی است؟ آیا چیست خود شده که راه دیگری برای برخورد با این مجلات نبوده است و حتما باید اینها اعدام (لغو امتیاز) می‌شدند؟ اعدام هر موجود زنده‌ای لطمه‌ای به کل جامعه دارد. در این اتفاق ندهد به خانواده این افراد لطمه وارد

من دارم فکر می‌کنم که چرا در این روزهای مانده به آغاز سال نو یکبار باید سه مجله (دنیای تصویر، هفت و شوکا) براند نشریه دیگر لغو امتیاز بشوند. به همین دلیل براند پرسش مطرح می‌شود که به آنها می‌پردازم:

۱- نمی‌دانم برای چه این مجلات لغو امتیاز شده‌اند. احتمال دارد که از نظر قانون مطبوعات، خلاف فایده‌بخشوندی مرتکب شده‌اند. من به عنوان یک خواننده همکار فقط مطبوعات که تا ۵۰۰۰ سال نوشته‌ام و حقوقی پر کردن مطبوعات دارم، از خود می‌پرسم چرا این اتفاق برای همکارانم پیش آمده؟

۲- دارم فکر می‌کنم که لغو امتیاز یک نشریه بدترین اتفاق ممکن است. در شب گذشته بیاید. هر واقعه‌ای در هر زمان معانی خاصی خود دارد. به همین دلیل تعطیلی یک نشریه در آغاز سال نو اصلاً اتفاق و وقت مناسبی نیست.

سفر حسن تینوسف در ادامه نوشته است: «آنچه پیش از هر چیز باید به آن آرج نهاد، تعهد و همکاری مشترک طیف وسیعی از نشریات در این زمینه است. دولت گرفته تا سازمان‌های غیر دولتی، از رهبران مذهبی گرفته تا خبرمداران، از شرکت‌های خصوصی گرفته تا عموم مردم و البته داوطلبان کوچک و نوجوان. ما از این همه حمایت و حرکت برای حقوق کودک سانسگذاریم و امیدواریم این حرکت را در سال آینده نیز تکرار کنیم.»

## پیام‌های فیلم یکم سیاسی

**اعتقاد ملی:** شوکا نامه گاری: دوربین داد گروه‌های خبری چند رسانه، کارهایشان را زمین گذاشته بودند و افتاد به یونستند. گرفتن خبرنگاران که در انتخابات مجلس شورای اسلامی از ائتلاف اصلاح‌طلبان حمایت کرده بودند، یکی از این تکرارهاست. گفت‌با من هابرت تماس گرفتند تا حمایت از کاندید کم، اما می‌بارتزم. دیگری نیز چنین ماجراهایی را تعریف می‌کنند و می‌گویند که از آنان می‌گویند که خبرنگاران یالمن دلسوزان می‌گفت که خانه خالی بیایند باقی‌مانده‌ها را بکشند. اما همه زیر شش گذاشته است. وقتی من گفتم خودم اعضا کردم و دست‌افزاری نیست. گفت که به هر حال من به حقوق علاقه‌ای که هنر شما دارم نگردان بودم و گفت بر اینا کار داشته‌ام. به هر حال با کسی که امکان تماسی بود و با ابراهامی تماس گرفت و به یونستند یا برخی سخن را چند بار تکرار کرد. اما کوشش‌های جاقفای نتیجه‌ای که سپیدرشد. تا ۲۸ اسمر، او نوشتند از میان ۱۲۷ نفر که به عنوان تکلیب‌کننده، از تلویزیون و خبرگزاری فارس اعلام کردند که از آنان با نوشتن نامه‌های جاهلانه‌ای می‌دیگر حمایت خود را تکلیب کردند. او بعد از تلویزیون و خبرگزاری فارس را تکلیب کرد و در پی آن از آنان از شلای‌های فرآیند سازی سرپرستان کودک و آموزش کارندان بخش‌های مرتبط دولتی برای تشخیص زود هنگام کودک آزاری و اطلاع رسانی.»

سفر حسن تینوسف در ادامه نوشته است: «آنچه پیش از هر چیز باید به آن آرج نهاد، تعهد و همکاری مشترک طیف وسیعی از نشریات در این زمینه است. دولت گرفته تا سازمان‌های غیر دولتی، از رهبران مذهبی گرفته تا خبرمداران، از شرکت‌های خصوصی گرفته تا عموم مردم و البته داوطلبان کوچک و نوجوان. ما از این همه حمایت و حرکت برای حقوق کودک سانسگذاریم و امیدواریم این حرکت را در سال آینده نیز تکرار کنیم.»

در ادامه دارم فکر می‌کنم که لغو امتیاز یک نشریه بدترین اتفاق ممکن است. در شب گذشته بیاید. هر واقعه‌ای در هر زمان معانی خاصی خود دارد. به همین دلیل تعطیلی یک نشریه در آغاز سال نو اصلاً اتفاق و وقت مناسبی نیست.



سفر حسن تینوسف در ادامه نوشته است: «آنچه پیش از هر چیز باید به آن آرج نهاد، تعهد و همکاری مشترک طیف وسیعی از نشریات در این زمینه است. دولت گرفته تا سازمان‌های غیر دولتی، از رهبران مذهبی گرفته تا خبرمداران، از شرکت‌های خصوصی گرفته تا عموم مردم و البته داوطلبان کوچک و نوجوان. ما از این همه حمایت و حرکت برای حقوق کودک سانسگذاریم و امیدواریم این حرکت را در سال آینده نیز تکرار کنیم.»

چنانکه در همان روزهای جشنواره به گونه‌های مختلف صراحتاً ارضاشان بلند بود، اما کسی نمیدانید.